

عرصه زیست جمعی زرتشتیان کشور به مثابه کانون تغییرات جدید در عصر ناصری

مرتضی نیک‌روش^۱ - حسن زارعی محمودآبادی^۲

دریافت: ۱۳۹۸/۳/۴ - پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۹

چکیده

در عصر ناصری، تغییرات مهمی در اغلب حوزه‌های زندگی ایرانیان به وقوع پیوسته است. کانون این تغییرات را باید در عرصه زیست جمعی زرتشتیان ایران و بویژه شهر یزد یافت. زیرا این تغییرات نه فقط عرصه مادی زندگی آنها را در بر می‌گرفت بلکه شامل سپهر زیست جمعی آنان نیز می‌شد. مساله اصلی این تحقیق که با روش جامعه‌شناسی تاریخی انجام شده است توصیف و توضیح این تغییرات با تأکید بر نقش پارسیان هند است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از دل پارسیان هند، نخبگانی چند پیدا شدند که بدنبال تحت تأثیر قرار دادن جامعه زرتشتی کشور و پیشبرد تغییرات مد نظرشان بودند. آنها از روش‌های گوناگون نظیر: استمداد از انگلیسی‌ها (توجه به ساخت قدرت در عرصه بین‌المللی) تطمیع، رشوه، چاپلوسی و تهدید حاکمان وقت (توجه به ساختار قدرت در داخل کشور)، بهره‌برداری از توجه محدود شاهان قاجار به اصلاحات اجتماعی و ابتکارات شخصی خویش استفاده کردند. این نخبگان ابتدا با تأسیس پنجایت‌ها عرصه زیست جمعی زرتشتیان یزد را دگرگون کردند و از این رهگذر توانستند اصلاحات گسترده‌ای را در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، محدودیت‌های شخصی زرتشتیان و احیای مناسک دینی ایجاد کنند.

واژگان کلیدی: پارسیان هند، زرتشتیان یزد، پنجایت، انجمن ناصری، اصلاحات اجتماعی

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه پیام نور، مرکز بین‌الملل قشم، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
nikravesh101@yahoo.co
h.zarei@meibod.ac.ir

۲. استادیار گروه ایران‌شناسی دانشگاه میبد، میبد، ایران

مقدمه

عصر قاجاریه عموماً عصر عقب افتادگی و سکون تلقی می‌شد، مدت‌ها گذشت تا جریانی از نویسندگان و پژوهشگران پیدا شوند و عصر پیشامشروطه قاجاری را نه صرفاً عصر عقب افتادگی، فساد، استبداد، فقر و فلاکت تلقی کنند بلکه در آن جامعه موزاییک‌گونه و پیچیده، نقاط آغاز و علائمی از تغییرات ژرف اجتماعی را در اغلب حوزه‌ها ببینند و از آن‌رو به جای آنکه آن دوران را صرفاً دوران واپسمانده و شرم‌آور تاریخی تلقی کنند، آن را شایسته تحقیق و بررسی بدانند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۴). نکته مهم این که همین پژوهشگران پس از تحقیق و بررسی، نکات درخشانی را نیز یافته و آن را به عموم عرضه کرده‌اند. درست است که عصر قاجاریه به زبان جامعه‌شناسی؛ عصر گفتمان پاتریمونیالیزم سنتی است که متشکل از عناصری چون اقتدار و اطاعت مطلقه، پدرسالاری سیاسی، قداست دولت و رابطه مستقیم آن با خدا و ساختار قدرت عمودی یکجانبه و غیرمشارکتی و غیررقابتی می‌باشد (بشیریه، ۱۳۸۱: ۵) رفته‌رفته به دلیل فشارها و نفوذ تجدد غربی که در قالب جنبش اصلاحات دوران قاجاریه رخ نمود و این گفتمان تسلط خود را از دست داد و درون آن رخنه‌هایی ایجاد شد که همان رخنه‌ها و عناصری دیگر سرآغاز تغییراتی شد که امروزه برخی از آنها بدیهی انگاشته می‌شود. یکی از کانون‌های تغییر همانا عرصه زیست اجتماعی و سیاسی زرتشتیان ایران به مرکزیت یزد می‌باشد. تغییرات در وضعیت زیست اجتماعی و سیاسی زرتشتیان یزد، چشمگیر و در مواردی خیره‌کننده است. از این‌رو این تحقیق عهده‌دار توصیف و توضیح تغییرات و اصلاحات انجام شده در جامعه زرتشتیان ایران و بویژه شهر یزد در عصر ناصری با در نظر داشتن نقش پارسیان هند در این تغییرات می‌باشد. گسترش مناسبات دو جامعه پارسیان هند و زرتشتیان یزد که به لحاظ وضعیت اجتماعی تفاوت‌های اساسی داشتند از اسباب عمده تغییر و اصلاحات در جامعه به‌دینان یزد بحساب می‌آید. در شرایطی که پارسیان هند با اخذ ره‌آوردهای مدرن غربی گام‌های مهمی در زمینه اقتصادی، فناوری، آموزش و غیره برداشته و با تشکیل پنجایت‌ها و تدوین قوانین، تحولی اساسی در جهت اداره جامعه خود ایجاد کرده بودند، اجتماع به‌دینان یزد در کُلّیت خود همچنان سنتی می‌نمود. نخستین اقدام نمایندگان پارسیان هند برای انجام اصلاحات مهمی چون احیا و اصلاح دینی، اصلاحات آموزشی و اجتماعی و فرهنگی، تشکیل انجمن‌ها بود. مباحثی چون

پنچایت‌ها و کارکردهای انجمن ناصری چنانکه باید و شاید مورد اهتمام محققان قرار نگرفته است. بر این اساس، این پژوهش می‌کوشد با طرح پرسش‌های اساسی در زمینه کارکردهای سیاسی، اجتماعی، قضایی و حقوقی پنچایت‌ها و انجمن‌ها در دوره مورد بحث، مسئله تحقیق را روشن سازد.

چهارچوب نظری

کارکردگرایان که به تحلیل پدیده و «تغییر و تحول اجتماعی» علاقمند هستند بر تعادل میان حوزه «ارزش‌ها» و «محیط اجتماعی» تأکید می‌ورزند. از نظر آنان که دستگاه فکری گسترده‌ای برای تبیین نظم، تعادل و تحول اجتماعی عرضه کرده‌اند (بشیریه، ۱۳۷۲: ۵۲). سیستم اجتماعی اساساً میل به ثبات و تعادل دارد با این حال تغییرات در همه سیستم‌ها اجتناب‌ناپذیر است، از نظر تعدادی از آنها هر نوع تغییر و تحولی در جامعه یا از خارج نشأت می‌گیرد و یا از داخل و حوزه تغییرات نیز بر روی ارزش‌ها است و یا محیط اجتماع. به عبارت دیگر منشأ و منبع تغییر در این چارچوب فکری از این قرار است:

* منابع خارجی تغییر در ارزش‌ها مانند ورود عقاید و ایدئولوژی‌های خارجی به درون جامعه متعادل؛

* منابع داخلی تغییر در ارزش‌ها مانند پیدایش عقاید جدید و یا مصلحین درون نظام؛
* منابع خارجی تغییر در محیط مانند تأثیری که انقلاب صنعتی بر جوامع گوناگون گذاشته است؛

* منابع داخلی تغییر در محیط مانند رشد جمعیت و یا پیدایش گروه‌های جدید. آنان تأکید می‌ورزند که سیستم سیاسی باید از طریق اعطای امتیازات و یا پذیرش تحولات، خود را با شرایط جدید تطبیق دهد و الا مشروعیت، ثبات و احتمالاً موجودیتش به خطر می‌افتد (بشیریه، ۱۳۷۲: ۵۲).

هنگامی که شرایط تغییر رخ داد تغییرات به خودی خود اتفاق نمی‌افتد بلکه به کارگزاران و عاملانی نیاز دارد. دولت‌ها و نخبگان در شمار مهمترین کارگزاران تغییر هستند. نخبگان به کسانی اطلاق می‌شود که با توجه به نقشی که در جامعه به عهده دارند اعضای ممتاز جامعه به

شمار می‌روند و این ممتاز بودنشان عموماً محصول قدرت، استعداد و یا شخصیت آنان است (روشه، ۱۳۹۴: ۱۱۶).

عصر قاجاری ایران عصر تغییر در اغلب حوزه‌ها است. ترکیبی از فرآورده‌های نظری کارکردگرایان و نخبه‌گرایان تا حد قانع‌کننده‌ای می‌تواند تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در آن عصر را بطور کلی و بویژه این تغییرات را در اقلیت زرتشتی مقیم کشور که موضوع این پژوهش است را توضیح دهد، زرتشتیان در شمار گروه‌های اقلیتی بودند که در شهرهایی چون یزد، کرمان، تهران و اصفهان زندگی می‌کردند (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۴۵). در بازه زمانی مورد بحث ما با توجه به اطلاعات موجود، شاهد کاهش چشمگیری در نفرت آنها نسبت به زمان صفوی هستیم، اگر در آغاز سده ۱۸ م جمعیت این اقلیت را حدود یک میلیون نفر تخمین می‌زدند، در دوران فتحعلی شاه به پنجاه هزار نفر کاهش یافته که حدود دو هزار خانوار در یزد بودند (شیروانی، ۱۳۴۸: ۵۷۹). از نظر وضعیت عمومی، آنها اغلب در شمار افراد پایین جامعه بودند و دارای مشاغل پست اجتماع. زرتشتیان با محدودیت‌های فراوانی نظیر محرومیت از حق بازرگانی، بازسازی و تعمیر خانه‌ها و معاشران، رفت و آمد با لباس خاص، سوار شدن بر مرکب و ... روبرو بودند. اما هم‌کیشان آنان که پیشتر و از قرون میانه به بعد به دلایلی به هندوستان و بیشتر به بمبئی رفته بودند از وضعیت خیلی بهتری برخوردار بودند. یادآوری این نکته ضروری است که هندوستان در زمان مورد بحث، مستعمره انگلیس بود و از این‌رو به صورت قابل توجهی از فرهنگ و تمدن غرب متأثر بوده است. این وضعیت سبب پیدایش فرهنگ و سبک زندگی مدرن در آنان گشته و پارسیان هند را از جهات گوناگون با زرتشتیان ایران و یزد متمایز می‌کرد. از جمله آنکه جامعه زرتشتیان هند توانسته بود در درون خویش نخبگان و مصلحانی چند پرورش دهد.

از مهمترین و مشهورترین این مصلحان و نخبگان، یکی مانکجی لیمجی هاتریا، کیخسرو جی خانصاحب و اردشیر ریپورتر بودند. این نخبگان بطور همزمان هم دارای پایگاه اجتماعی سنتی بودند و هم جهت‌گیری فکری مدرن داشتند و از این‌رو دینداری (زرتشتی‌گری) را با بسیاری از مظاهر مدرنیسم با یکدیگر جمع کرده بودند. آنان به عنوان منابع تغییر از خارج کوشیدند تا هم به احیای دین زرتشتی‌گری و آیین‌ها و مراسم آن پردازند و هم تغییرات عمده

اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی معطوف به دنیای جدید را در بین زرتشتیان یزد و در مواردی در کل شهر یزد ایجاد کنند. این نخبگان با درک ساختار سیاسی ایران عصر قاجاری، وضعیت قدرت در نظام بین‌الملل و نفوذ انگلیس در ایران، ساختار فکری معطوف به اصلاحات عصر ناصری و ابتکارات شخصی خویش توانستند به عنوان کارگزار آن تغییر در یزد بویژه زرتشتیان آن ظاهر شوند.

مهمترین ابزارهایی که اینان برای ایجاد تغییرات در جامعه هدف خود به کار بردند از این قرار است:

* تشویق، تطمیع، رشوه و چاپلوسی حاکمان (راه تقرب به رأس قدرت و نفوذ در ساختار سیاسی پاتریمونیا).

* استمداد از انگلیسی‌ها برای فشار بر ناصرالدین شاه در جهت اهداف مد نظر مانکجی و کیخسرو جی (درک رابطه قدرت در روابط بین‌الملل).

* بهره‌برداری از توجه شاهان قاجاریه به اصلاحات اجتماعی و زرتشتیان یزد (ساختار فکری معطوف به اصلاحات در عصر ناصری) (آدمیت، ۱۳۶۱: ۴۳۷) و بالاخره پاره‌ای از ابتکارات شخصی خود نظیر تأسیس مراکز مدرن و خیریه و کمک‌های نوع‌دوستانه و بشردوستانه به زرتشتیان یزد و کل مردم.

حوزه تغییرات: این نخبگان در حوزه‌های گوناگون منشأ اثر و تغییرات شدند که مهمترین آنها از این قرار است: الف- اصلاح در ساختار اجتماعی زرتشتیان؛ ب- اصلاحات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و پ- احیای مناسک دینی.

نخبگان به مثابه کارگزاران تغییر در جامعه

الف- تغییر در عرصه زیست جمعی زرتشتیان

نخستین و مهمترین حوزه‌ای که معروض تلاش نخبگانی چند از پارسیان هند قرار گرفت و پایه و اساس تغییرات بعدی شد همانا تغییر در عرصه زیست جمعی یا ساختار اجتماعی زرتشتیان بود. این مهم از طریق تأسیس پنجایت‌ها عملی شد و پنجایت‌ها که با اراده و نفوذ مانکجی در جامعه زرتشتیان یزد تأسیس شد از اهمیت فراوانی برخوردار است چرا که خود موجبات اثرات فراوانی در عرصه‌های گوناگون شد. تأسیس پنجایت‌ها با الگوگیری از پارسیان هند در جوامع زرتشتی‌نشین چون یزد، کرمان و تهران را باید در شمار نخستین اقدامات مانکجی به حساب آورد. پنجایت‌ها که در واقع مجمعی از ریش‌سفیدان، موبدان، دستوران و بهدینان با نفوذ بودند که مقرر بود امور زرتشتیان را به صورت طرح در جلسه‌ای عمومی و گفتگو حل کنند. پنجایت‌ها (هیئت پنج نفره)، انجمن‌های نوینی بود که تأسیس آن به همت خانواده زرتشتی حدود ۱۶۹۸م در بمبئی تأسیس گردید (امینی، ۱۳۸۰: ۲۸۲). این خانواده به دنبال مصائب در زمان آقا محمدخان به همراه دختر خود گلستان بانو به یزد مهاجرت نمودند (بویس، ۱۳۶۴: ۴۲۵) و پس از مدتی پدر خانواده کیخسرو یزدیان به همراه دخترش گلستان بانو در ۱۷۹۵م عازم بمبئی شدند (اشیدری، ۲۵۳۵ ک ۴۲۲-۴۲۴). طی این هجرت، گلستان بانو با یکی از پارسیان ثروتمند به نام فرامجی بیکاجی ازدواج نمود و حاصل این ازدواج پنج پسر و چهار دختر بود (شهمردان، ۱۳۳۱: ۱۳). پسران گلستان بانو (پور جورجی فرامجی، پشوتن جی و مهروانجی) مهمترین نقش در تأسیس انجمن‌های خیریه داشتند (شهمردان، ۱۳۶۱: ۲۸۵) و در حمایت از زرتشتیان مهاجر، صندوق بهبود زرتشتیان ایران ایجاد کردند.

مانکجی با حضور در نخستین جلسه پنجایت ضمن تأکید بر رعایت حقوق بهدینان و لزوم رسیدگی به امور آنها، از بهدینان نیز می‌خواست تا به اعضای پنجایت احترام بگذارند. در ادامه هفت نفر از دستوران و بهدینان متنفذ را انتخاب کرد تا با انتخاب پنج نفر از افراد با صلاحیت دیگر، پنجایت را به آنها واگذار کنند.

بر اساس ضوابط پنجایت، تصمیم‌گیری در امور بهدینان باید بر اساس مشورت جمعی صورت بگیرد و در نهایت پس از کسب رأی اکثریت، لازم الاجرا شود. پنجایت دارای یک

تحویله‌دار برای رسیدگی به امور مالی و نیز یک منشی بود که وظیفه ثبت جلسات را برعهده داشت. پنجاییت وظایف متنوعی از جمله تصمیم‌گیری در مورد ساخت و تعمیر دخمه‌ها و دیگر اماکن مذهبی، نظارت بر اجرای مراسم مذهبی، نظارت بر هزینه‌های عام‌المنفعه، مکتبخانه‌ها و رسیدگی به دعاوی بهدینان و در کل اجرای تغییرات مورد نظر مانکجی به عنوان یکی از کارگزاران تغییر را برعهده داشت (گزارش اجلاس پنجاییت فرخ دی به آذر ایزد از خرداد ماه قدیم، ۱۲۳۵ شاهنشاهی یزدگردی).

هدف مانکجی از تأسیس پنجاییت‌ها ایجاد همدلی، برانگیختن حس تعاون و ایجاد انسجام درونی زرتشتیان و حل مشکلات آنها از طریق نظام شورایی کارآمد و پایان بخشیدن به سیطره گروهی از دستوران و اربابان بر جامعه زرتشتیان یزد بود. او در نامه‌ای خطاب به زرتشتیان کرمان می‌نویسد: «می‌دانید بایی که در هر ملتی رسم است ریش سفیدی و بزرگتری می‌باشد که سرپرستی طایفه خود را بنماید نه آنکه امر به جهت خودپسندی آن شخص باشد بلکه خدمت جماعت محل خود است، اعضای پنجاییت باید اول این فکر را بکنند و اگر قوت انجام خدمت را در خود می‌بینند عضو پنجاییت گردند و پای در عمل گذارند (اشیدری، ۲۵۳۵: ۲۵۶-۲۵۷). چنانچه به روایت او از سوءاستفاده موبدان زرتشتی از قدرت خویش توجه کنیم معنای سخن او بیشتر روشن می‌شود. او در سیاحتنامه خود از سلطه گروهی از دستوران و موبدان بر جامعه زرتشتیان یزد بحث می‌کند که به سبب نمایندگی از طرف جامعه خود در برابر حکام و مسئولین محلی نوعی اقتدار و رهبری پیدا کرده بود. این قشر کوچک که از طرق مختلف از جمله زد و بند با مأمورین حکومتی دارای ثروت و امتیازات زیادی شده بود نه تنها نسبت به سرنوشت مصیبت بار توده‌های زرتشتی بی‌تفاوت بود، بلکه در مقابل هر نوع حرکت اصلاحی که به زیانش بود، با تمام توان ایستادگی می‌کرد (مانوکجی، ۱۲۸۰: ق ۸۲-۳).

در زمینه ارتباط موبدان یزد با حکومت قاجار باید گفت شاهان قاجار توجه خاصی به زرتشتیان یزد و البته رؤسای دینی آنها داشتند. در این زمینه فرمانی از محمد شاه قاجار در زمینه برقراری مستمری برای دستور بهمن بن دستور کیخسرو در دست است که به نایب‌الحکومه یزد دستور می‌دهد: «مبلغ سی تومان از بابت جزیه طایفه گبر ساکن یزد در حق دستور بهمن بن دستور مرحمت و برقرار فرمودیم که همه ساله از بابت جزیه طایفه مزبوره دریافت نموده صرف

معاش خود سازد و بدعاگویی دوام دولت قاهره اشتغال نماید» (فرمان همایون حضرت شهنشاه گیتی‌پناه محمدشاه غازی درباره مستمری دستور بهمن دستور کیخسرو، حرر فی ۲۴ شهر صفرالمظفر ۱۲۵۷ ه.ق).

ناصرالدین شاه فرمانی مشابه برای برقراری مستمری جهت کلانتر زرتشتیان یزد ملادینیار برقرار کرد، میرزا تقی خان امیر کبیر نیز به منظور برقراری مستمری برای دستور نامدار و ملابهرام، به شیخ علی خان نایب الحکومه یزد نوشت: «از دیوان اعلی مقرر در حق زبده الاقران موبد موبدان و ملابهرام برقرار شده، مقرر ماضیه و هذالسنه آنها موافق فرمان همایون زود و نقد در وجه او کارسازی نمایید که به فراغت بال و آسایش حال مشغول و به دعاگویی دوام دولت ابد مدت مصون از زوال گردد و البته در محبت نسبت به و مراقبت حالش کمال اهتمام بعمل آورده کوتاهی و فرو گذاشت ننمایید» (نامه میرزا تقی خان وزیر خطاب به شیخعلی خان نایب الحکومه یزد در باب مستمری دستور نامدار و ملابهرام حرر فی شهر جمادی الثانی ۱۲۶۶).

مطالعه این دسته از اسناد، گذشته از آنکه نشان از پیوند دستوران و موبدان سرشناس با حکومت قاجار دارد بیانگر این نکته نیز هست که فارغ از مانکجی و پاریسیان هند، شاهان قاجار دست کم از فتحعلیشاه اهتمام ویژه‌ای به بهدینان یزد داشته‌اند و همین توجه است که از چشم نخبگانی چون مانکجی، کیخسرو صاحب و اردشیر ریپورتر دور نماند و آنها توانستند از این توجه برای تغییر در وضعیت زیست جمعی زرتشتیان کشور و بویژه یزد کمال استفاده را ببرند. مانکجی با تأسیس پنچایت‌ها، در صدد بود کارکرد سنتی موبدان و دستوران در زمینه موقوفات، انجام مراسم دینی و گردآوری جزیه و غیره را تحت نظارت درآورد و به همین دلیل با مخالفت شدید طیف ذی‌نفوذ سنتی مواجه گردید. این مهم بعنوان میراثی خطرناک برای انجمن ناصری بجا ماند.

ب- انجمن ناصری و حکومت قاجار

در نتیجه فترت ناشی از مرگ مانکجی و اندکی بعد از فوت فرزند و جانشینش هرمزد جی، اصلاحات مانکجی و بخصوص پنچایت‌ها در آستانه فروپاشی بود و گروهی از

دستوران در صدد احیای نظم سنتی و اعاده سیطره خود بر بهدینان بودند. در چنین شرایطی نماینده جدید انجمن اکابر پارسیان هند، کیخسرو جی صاحب، برای تداوم اصلاحات، انجمن‌های ناصری را در جوامع زرتشتی‌نشین جایگزین پنجایت‌ها نمود.

کیخسرو جی صاحب، دومین نخبه‌ای است که از پارسیان هند برخاسته و کوشش کرده است تا با درک ساختار حکومت سلطانی و مکانیسم پیشبرد امور در آن نظیر نزدیکی به صاحبان قدرت، رشوه، چاپلوسی و استفاده حداکثری از فضای مثبت ایجاد شده از سوی حاکمان قاجار تغییراتی را در وضعیت زیست جمعی زرتشتیان یزد ایجاد نماید. در راستای چنین سیاستی بود که به کمک افرادی چون ظل السلطان و پسرش جلال الدین میرزا، اقدامات مهمی چون تأسیس انجمن ناصری زرتشتیان یزد را به انجام رسانید. او در تهران سکونت گزید و توانست احترام درخور توجهی میان درباریان و روسای امور کسب نماید، چنانکه امین السلطان او را به لقب خانی مفتخر کرد (شهریاری، ۱۳۶۰: ۴۱)، گزارش انجمن درباره نقش کیخسرو صاحب بسیار گویا است:

در نتیجه اقدامات او و حمایت‌های افرادی چون امین السلطان و ظل السلطان «در هیچ عصری و عهدی بهدینان ایران باین پایه مورد افتخار و عنایت ملوکانه {واقع} نشده‌اند» (ریپورت انجمن ۱۳۰۹-۱۳۰۱، سواد عریضه کیخسرو جی خانصاحب به مقرب الخاقان).

پس از کیخسرو خانصاحب، اردشیر ریپورتر سومین نماینده انجمن اکابر پارسیان هند در ایران می‌باشد. اردشیر جی پور ایدلجی از خانواده‌ای زرتشتی ایرانی‌تبار متولد بمبئی است. او تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته حقوق و علوم سیاسی در انگلستان گذراند و پس از بازگشت در اوایل ۱۸۹۳م به عنوان صاحب منصب سیاسی در دفتر نائب السلطنه هندوستان مشغول به کار شد و پس از مدت کوتاهی در این مقام، با درگذشت کیخسرو جی خانصاحب از طرف انجمن اکابر پارسیان به ایران عازم شد (شهمردان، ۱۳۶۳: ۵۵۷). در دوره او انجمن ناصری نه تنها تثبیت شد بلکه فعالانه انجام وظیفه می‌کرد و عملکرد خود را گسترش داد، متعاقب بالا گرفتن نفوذ اردشیر ریپورتر، انجمن ناصری بر مسائل جزئی‌تر مثل توهین به کیش زرتشتی هم تمرکز کرد. از جمله طی نامه‌ای به «مقام منبع ریاست اداره جلیله نظمیه یزد دامت عظمته عارض شد که چند روز پیش حاجی اسمعیل نامی با اردشیر کیخسرو تاجر پارسی در باب حساب و

کتاب تجارت گفتگو داشتند چون: «حرف بر سر» قسم رسیده بعض کلمات توهین آمیز نسبت به آیین زرتشتی به زبان رانده، چند نفر محترمین شاهد مقالات هستند استدعا آنکه حاجی مزبور را حاضر و مجازات کنید که دیگر کسی به آیین کسی وارد نیورد...» و در نهایت درخواست اخذ دیه هتک حرمت از حاجی مذکور برای اردشیر می کند (نامه انجمن به ریاست جلیله نظمیہ یزد، ۲۴ شهر رجب ۱۳۲۹).

در دوره زعامت ریپورتر رویکرد انجمن ناصری به حکام یزد از تواضع و فروتنی صرف، گاه به توصیه و گزارش علیه آنها منجر شد. برای مثال انجمن در نامه‌ای به معاضد السلطنه حاکم یزد خاطر نشان ساخت که «چون دولت خواهی اقتضا می کند در مقام جسارت برآمده و عرضه می داریم خلع اسلحه از اشخاص غیر نظام یکی از اسباب امنیت ولایت است و پذیرفتن وساطت و شفاعت در موقع جنحه و جنایت و قصاص مورث بروز اقسام فتنه و فساد است. الاکرام بالاتمام اطلاع داریم از فرط مرحمت مراحم که مسلم ذات خجسته صفات است پوزش از این گستاخی را خواهند پذیرفت. انجمن ناصری یزد» (نامه انجمن ناصری به معاضد السلطنه حکمران یزد و مضافات، ۱۱ شهر ربیع الثانی ۱۳۳۲ ه.ق).

در نهایت انجمن که معاضد السلطنه را حکمرانی ضعیف تلقی می کرد به ریپورتر نوشت: «حاکم یزد معاضد السلطنه شخص رئوف و مهربانی می باشد ولی اقتدار و کفایت لازمه ندارد و متلون المزاج است: «هردم خیالی می کند و رای میزند. صارم السلطان کاشی را که مردی ضعیف النفس است به ریاست عدلیه منصوب نموده که این مرد ابدًا شایسته این کار نیست ... روسا و نواب محلات شهر از شرور و الواط نامی و سردسته اشرار هستند و شخص کار آزموده لازم است که نگذارد اینها دست از پا خطا کنند صارم السلطان مرد این کار نیست» (نامه انجمن ناصری به اردشیر ریپورتر، ۶ مارچ ۱۹۱۴).

بتدریج انجمن ناصری خواب راحت را از چشمان حکام و مأموران حکومتی یزد که در صدد تعدی به زرتشتیان بر می آمدند یا اسباب آرامش آنها را فراهم نمی ساختند، ربود. از جمله هنگامی که محمد کریمخان نایب حکومت در منطقه رستاق یزد متهم به تنبیه یک زرتشتی و اخذ جریمه از وی به مبلغ شش تومان شد در پی گزارش انجمن ناصری، از تهران به حاکم یزد تلگراف شد که تحقیق کند و در صورت صحت، وجه مذکور را مسترد و نامبرده را برکنار و

فرد دیگری را جایگزین او سازد (گزارش انجمن ناصری، تلگراف یوسف بختیاری از طهران به یزد، نمره تلگراف ۳۳۲).

تشکیل انجمن ناصری در عرصه داخلی جامعه زرتشتیان یزد به منزله تضعیف موبدان و دستوران بود چرا که این انجمن همه امور دینی و اجتماعی زرتشتیان چون نظارت بر موقوفه‌ها، زیارتگاه‌ها، دادگاه‌ها (دخمه‌ها) و پاسخگویی به مسائل شرعی را برعهده گرفت و این قشر بتدریج نفوذ خود را از دست داد. در نامه انجمن به بمبئی اشاره شده است که پیش از تشکیل انجمن در «اکثری از کارهای طایفه، دستوران مداخله نموده بر وفق رأی و خواهش خویش در پرده می‌گذرانیدند و بر حق و ناحق کسی اطلاعی نبود». همچنین، در مراسم مختلف از جمله ازدواج و جشن‌ها و غیره «بدون ملاحظه ناتوانی بهدینان» مبالغی را دریافت می‌کردند و اکنون که «باید امورات شرعی و عرفی طایفه کلا رجوع به انجمن باشد» آن را برخلاف منافع خود دانسته و به مخالفت با انجمن پرداخته‌اند (ریپورت انجمن ناصری ۱۳۰۹-۱۳۰۱۱، عریضه به انجمن بمبئی).

انجمن ناصری هر چند عملکردی مشابه پنجایت‌ها داشت اما برخلاف پنجایت‌ها که دارای نوعی نظام مبتنی بر شیخوخیت و ریش‌سپیدی بود، دارای تشکیلات اداری و البته ضمانت اجرایی نسبتاً خوبی در امور بود. همچنین، اعضای آن بر اساس سیستم انتخابی و از طریق صندوق رأی برگزیده می‌شدند که در نوع خود نمونه‌ای بی‌نظیر محسوب می‌شد. در نهایت باید گفت تشکیلات انجمن گذشته از آنکه آرام‌آرام ساختار سنتی اداره جامعه زرتشتیان را تغییر داد و نوعی مدیریت شورایی کارآمد برای انجام امور به وجود آورد که خود پایه تغییرات گسترده دیگری شد.

درباره اردشیر ریپورتر از همه مهمتر که او با اتکا به حمایت انگلیسی‌ها در مسائل کلان کشور نظیر انقلاب مشروطه که اصول آن چون مساوات و برابری برای زرتشتیان جذابیت خاصی داشت فعالانه حضور یافت، نفوذ او آنچنان گسترده بود که در سیر تحولات بعدی حتی ادعا شده که او رضاخان را برای سلطنت به انگلیسی‌ها پیشنهاد داده است (موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۸ / ۱: ۲۹۳ و ۲۹۸).

اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

الف- لغو جزیه

با آن که مقارن حضور مانکجی در ایران، زرتشتیان از موقعیت ناخوشایندی از نظر وضعیت اجتماعی برخوردار بودند، نامبرده توانست با استفاده از روش‌ها و ابزارهای موجود به یکی از مهمترین اصلاحات اجتماعی و اقتصادی برای جامعه زرتشتی نائل آید: سوال اساسی این است که او چگونه توانست به لغو جزیه و مواردی از این قبیل با وجود موانع مذهبی و نگرش نسبتاً تعصب‌آمیز جامعه سنتی یزد نائل آید.

نامه‌ای از او در دست است که به نظر می‌آید اندکی قبل از فرمان ناصرالدین شاه در زمینه لغو جزیه نگاشته شده و سندی مهم و کم‌نظیر بحساب می‌آید و شاید بتوان با آگاهی از محتوای آن به پرسش مذکور پاسخ داد. در این نامه که با عنوان: «هو الله تعالی شانه. قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم عرضه داشت می‌نماید» آغاز می‌شود مانکجی به عریضه انجمن اکابر پارسیان هند و پیشکش‌های آنها اشاره می‌کند مبنی بر اینکه: «دو سال قبل از این عریضه بعدد صحیح قریب سیصد نفر بر ورق {؟} نویسانیده در لوله نقره منقش به اسم اعلیحضرت اقدس شهریاری فرستادند. آن عریضه را مع پیشکش که ظاهراً قلیل و در معنی مشکوم کثیر بجهت وجود مبارک اقدس شهریاری است به موجب تفضیل: شمشیر مع کمر بند زرین که همیشه با فتح و نصرت هم قرین باشد. یک قبضه ساعت طلا مع دو زنجیر طلا که انشاءالله ساعت به ساعت بر عمر دولت افزوده شود. سه صندوق تفنگ دورزن مع چند هزار گلوله، یکدستگاه ساز خوش آواز که همیشه در عیش و طرب دم‌ساز باشید» (عریضه مانکجی به ناصرالدین شاه، بی تا).

این نکته لازم به ذکر است که ناصرالدین شاه بنا به چند دلیل در اجابت خواسته اکابر تعلق می‌کرد: یکی نگرانی از علما که گرفتن جزیه را امری فقهی و متکی به قرآن و روایات می‌دانستند. چنانکه از عوامل اصلی شورش گسترده مردم یزد در سال ۱۳۰۰ ه.ق که به تحریک متولیان دینی یزد رخ داد و منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی زرتشتیان گردید، همین لغو جزیه بود. به این مهم در نامه زرتشتیان یزد به مانکجی اشاره شد: «چون جزیه از این طایفه برداشته شده است کافر حربی می‌باشند و خون و ناموسشان مباح است در صدد اذیتشان باشند

بلکه طایفه ده را بالکل تلف نمایند. با وجودیکه در فرامینی چون سواری و لباس پوشیدن هنوز ذره‌ای از حد خود تجاوز ننموده‌اند» (نامه زرتشتیان یزد به مانوکچی، ۲۹ شوال ۱۳۰۰ هجری قمری).

نکته دیگر آنکه فرامین شاه در زمینه تخفیف جزیه و حتی لغو جزیه گذشته از تعصبات مذهبی در یزد و نفوذ و مخالفت علما، به سبب ساختار غیر متمرکز حکومت قاجار و بنا به دلایلی چون عدم اقتدار حکام، نارضایتی حکام و دیوانسالاران و سلسله‌مراتبی که هریک در روند اخذ جزیه منافی داشت با مشکل مواجه می‌شد. در نامه‌ای با عنوان «جماعه مجوس دارالعباد یزد» به صدر اعظم اشاره شده که برغم فرامین شاه مبنی بر تخفیف جزیه «میرزا سید علی رکنابادی مداخله در فرع جزیه فدویان نموده و بدین جهت مبلغ زیادی از کمترینان می‌گیرند و ایذا و اذیت بما می‌رسد» (نامه جماعت مجوس دارالعباد یزد به صدر اعظم، ذی حجه ۱۲۶۸ ه.ق). به‌رغم اینها، مانکچی بی‌توجه به مشکلات شاه، دربار قاجار را به تعلل و پاسخ‌های واهی و تملق‌آمیز نسبت به خواسته اکابر هند متهم می‌سازد و چنین می‌نویسد: «این استدعا را تا بحال موافق حق و انصاف، امنای دولت قاهره دادرسی نمودند ... چهار سال است که در این خصوص زحمت کشیده متجاوز از دوهزار تومان مخارج نموده و بجایی نرسید لابد شد بتملق راه می‌رود» (عریضه مانوکچی به ناصرالدین شاه، بی تا).

مانکچی و پارسیان هند که ابتدا بر اساس یک سیاست منظم، پیشکشی و پول فراوانی به شاه و درباریان داده بود ناگهان با هوشمندی تهدید می‌کند که: «اکابران جواب عریضه خود را مطالبه نموده که گزارش حال را مع صاحب اخراجات در اظهارنامه مستعمره چاپ نموده باشند بنابراین استدعا آنست که حکم محکم به دستخط مبارک که بر طبق استدعای اکابران معروض منشیان عطارد نشان جواب عریضه ایشان را مرقوم سازند که رفع ظلم از ساکنین یزد و کرمان شده نیکامی و دادگستری شاهنشاه ایران در اطراف عالم آشکار و زیادتی عمر و دولت و دعای خیر بجهه سلامتی مبارک باعث معاودت فراریان خواهد بود در نهایت با زیرکی خود را تبرئه می‌کند که «چون واجب شد جسارت بعرضه داشت نمود که حکم حکم همایون است» (عریضه مانوکچی به ناصرالدین شاه، بی تا).

مانکچی گذشته از حمایت پارسیان و صرف پول فراوان (بنجامین، ۱۳۶۳: ۲۶۹) کوشید بیش

از پیش حمایت انگلیسی‌ها را در مسائل زرتشتیان جلب نماید. او خود به این مسئله اشاره می‌کند که برخی مسائل را خود پارسیان هند توسط حکومت ایران انجام می‌دادند یا اینکه: «بدست فرمانروایی‌های هندوستان و لندن با آگاهی ایلچیان بزرگ پادشاهی بویژه دستور دانش‌پژوه مستر طامس صاحب خیرخواه دولتین قویشوکتین دام اقباله از طریق وزیر امور خارجه ایران» (مانوکچی، ۱۲۸۰ ه. ق، ۸۴-۸۵).

گذشته از موارد ذکر شده مانکجی به کمک شخصیت خوش‌مشرش که آگاهی از تاریخ ایران باستانی بر جذابیتهای او افزود، ضمن نفوذ در ساختار حکومت قاجار، دوستی عمیقی با افراد ذینفوذی چون ظل‌السلطان و فرزندش جلال‌الدوله برقرار کرد. اهمیت این مناسبات را در بزنگاه‌های سخت بخوبی می‌توان دید. برای مثال، هنگامی که در سال ۱۳۰۱ قمری یک زرتشتی با گفتن عبارت رایج یزدی‌ها که «مگر پول من سکه عمر دارد» با قصاب محله بگو مگو کرد که چرا گوشت خوب به او نمی‌دهد. با بالا گرفتن دعوا، پیرزنی زرتشتی بنام گل خورشید که به حمایت از هم‌کیش داد و بیداد کرد ناگهان بر اثر گلوله یک لوطی مسلمان به قتل رسید. زرتشتیان یزد موقوف را به مانکجی گزارش کردند و او نیز موضوع را با ظل‌السلطان در میان گذاشت. ظل‌السلطان به نایب‌الحکومه خود در یزد، ابراهیم خلیل‌خان، دستور قصاص داد و لوطی مزبور به دار آویخته شد (اردشیر زارع، بی‌تا، ۶۳).

از آنجایی که طبق قوانین شرعی امکان قصاص مسلمان بخاطر قتل ذمی وجود نداشت مغازه‌ها تعطیل شد و مردم یزد در خانه‌ها جمع شدند. علما حکم قتل همه زرتشتیان را صادر کرده و پیشاپیش گروه‌های مردم به سمت محله‌های زرتشتی‌نشین حرکت کردند. در چنین شرایطی پیام تلگرافی بازدارنده ظل‌السلطان به مردم یزد چنین بود:

هو

«ای خلق یزدِ دماغ خشک، شما {؟} دیدید غضب مرانیدید. بنا بود {سرباز با پنج عراده نوف و پانصد علام معمور یزد نمایم، حجت الاسلام اصفهان التماس نمود که یزد بضاعت این گفتگوها ندارد. بنا به خواطر ایشان و نواب رضوی موقوف شد. مرقوم می‌دارد رعیت قبله عالم یهودی و مسلمان و نسارا و زرتشتی تفاوت ندارند. هر طایفه که یک سو مقتول نماید خون عوض خون است هر گروهی می‌خواهد باشد چند نفر بزرگان یزد با چند نفر ناحاجی اسباب

بجهت بیچاره‌ها کوک کرده‌اید اگر یک مو از سر طایفه زرتشتی کم بشود نوف سرباز علام می‌فرستم کل یزد را خراب کنند چند نفر میرقص با سارم الدوله معمور یزد می‌نمایم الواط یزد را سر ببرند»^۱ (سواد تلگرام ظل السلطان به خلق یزد، ۱۳۰۱ ه.ق).

در سایه چنین نفوذی بود که مانکجی به عنوان کارگزار تغییر از بیرون مرزهای ایران آمده بود توانست اقداماتی انجام دهد که در طول تاریخ ایران بعد از اسلام بی‌سابقه بود علاوه بر لغو جزیه که گذشت او توانست برخی از مهمترین مشکلات زرتشتیان یزد چون منع سوار شدن بر حیوانات، محدودیت‌های پرداختن به تجارت، موانع انجام مراسم مذهبی، شرایط دشوار بنای خانه، ازدواج با زنان و دختران زرتشتی و نیز ادعای ارث به بهانه اسلام آوردن، پرداخته و برطرف سازد (مانوکچی، ۱۲۸۰: ۸۴-۸۵).

ب- اصلاحات آموزشی

با نگاهی به ترکیب اعضای انجمن ناصری یزد (رپورت انجمن ناصری: ۱-۲) می‌توان دو جریان عمده نوگرا و اصلاح‌طلب و جریان محافظه‌کار و سنتی را از یکدیگر تفکیک نمود. طیف دگراندیش ریشه در ارتباط با پارسیان هند داشت. توضیح بیشتر آنکه در اثر آشنایی پارسیان هند با رهاوردهای غربی و پیدایش قشر سرمایه‌دار و تحصیلکرده یک جریان اصلاح‌طلب در سده نوزدهم شکل گرفت که تحت تاثیر اروپای عصر روشنگری رویکردی عقلانی به دین داشت. این طیف نوگرا ضمن مخالفت با تبعیت کورکورانه از دستورنامه‌ها و نیز سلطه موبدان، معتقد بود باید از آداب و مراسم خسته کننده دینی کاست (بای کار، ۱۳۴۸: ۱۴۵).

تحت تاثیر اقدامات مانکجی و نیز کیخسرو جی صاحب که دارای درجه لیسانس و به طیف تحصیلکرده و اصلاح‌طلب پارسیان هند تعلق داشت (شهریاری، ۱۳۶۰: ۴۱) این جریان در میان بهدینان یزد شکل گرفت. از افراد سرشناس این طیف می‌توان به ماستر خدابخش با درجه فوق لیسانس، کیومرث وفاداری فارغ التحصیل دانشگاه هند، استاد جوانمرد شیرمرد که با حمایت و تشویق مانکجی در دبیرستان تهران درس خوانده بود، اشاره کرد. جریان دیگر طیف محافظه‌کار و سنتی شامل موبدان، دستوران و بهدینان متعصبی بود که خواستار حفظ وضع موجود در

۱. اغلاط املائی از خود متن است.

ساختار اجتماعی بود. نکته مهم آنکه کیخسرو جی به شکلی هوشمندانه و با ابتکارات خویش، شناخته شده‌ترین نمایندگان طیف محافظه کار را برای جلوگیری از مخالفت آنها وارد انجمن کرد (لب و خلاصه ریپورت انجمن ناصری زرتشتیان یزد: صص ۱-۲) هر چند با مبنا قرار دادن رای اکثریت عملاً دیدگاه آنها را بی اثر کرد.

ورود این طیف نوگرا به جامعه زرتشتیان یزد بدان سبب ایجاد چالش‌های بین جریان سنت‌گرا و نوگرا گردید. پیش از این مانکجی در جریان تشکیل پنجایت‌ها و اصلاحات خود با مخالفت قاطع موبدان مواجه شده بود. از جمله موضوعاتی که شدیداً محل اختلاف طرفین بود امر آموزش کودکان بود. به همین دلیل نامدار، دستور بزرگ زرتشتیان یزد پیشنهاد مانکجی مبنی بر اعزام کودکان زرتشتی جهت تحصیل به بمبئی را رد کرد و قاطعانه نظر داد که «هرکس پسر خود را برای به دست آوردن دانش و بینش گمارد فرزند جوانش می‌میرد» (شهمردان، ۱۳۶۰: ۲۱۸).

هنگامی که یک زرتشتی با ارسال نامه‌ای توسط مانکجی به ناصرالدین شاه، توانست مالیات املاک خالصه بی‌بی زیبا را بین مسلمانان و زرتشتی‌ها تقسیم کند متولیان مسلمان ناراحت شده و به لوطی‌ها اشاره می‌کنند که زرتشتی‌ها را بابت نگارش نامه به شاه گوشمالی دهند. وقتی ارباب رستم زرتشتی برای حل و فصل مسئله، خدمت متولی مسلمان می‌رود او با ناراحتی اذعان می‌کند که چه کسی به شاه نامه نوشته که ارباب رستم در جواب می‌گوید: «بچه آدم فقیر کاربافی است». آقا در جواب می‌گوید مگر در جلسه‌ای که با دستور شهریار بود قرار نشد زرتشتی‌ها فقط یک مکتب برای فرزندان دستوران و موبدان داشته باشند که اوستا و متون دینی یاد بگیرند و یک مکتب کوچک برای بچه‌های اربابان و تجار در حد یادگیری حساب و کتاب و حالا چه شده که بچه‌های عوام درس می‌خوانند و نامه می‌نویسند. در ادامه با ناراحتی اضافه می‌کند تازه عریضه نوشته‌اند برای شاه و جزیه را هم برداشته‌اند شما اربابان و دستوران نیز که جزیه نمی‌دهید و تازه در جریان اخذ جزیه یک چیزی هم گیر خودتان می‌آید هم ضرر می‌کنید. ارباب رستم در جواب می‌گوید: «من و دستورها هم راضی نیستیم که بچه‌های عوام درس بخوانند چرا که جلوی پیشرفت بچه‌های ما را خواهند گرفت و حتی ملاحظه من و دستوران و اربابان را نکنند» (اردشیر زارع، بی تا: ۶۱).

این ایستادگی در مقابل طیف محافظه کار بی‌هزینه نبود چنانچه احساس خطر این گروه از تداوم اصلاحات از عوامل عمده‌ای بود که باعث شد مخالفان انجمن طی توطئه‌ای کبخسرو را مسموم ساخته و به قتل رساندند (امینی، ۱۳۸۰: ۲۸۴). همچنین از جمله کسانی که توسط جناح محافظه کار انجمن که بعدها به نام انجمن حق‌گوی در عرصه اجتماعی ظاهر شد مورد هدف قرار گرفت و ترور شد، ماستر خدابخش بود (محل قتل او اینک به صورت زیارتگاه کوچکی در محله زرتشتیان یزد درآمده است). او به عنوان تحصیلکرده دانشگاه بمبئی در راه‌اندازی مدارس زرتشتیان و نیز در تأسیس انجمن نقش موثری داشت و چند دوره در انجمن ناصری یزد مسئولیت مهم «مستشارالقوانین بهی» را برعهده داشت (لب و خلاصه رپورت انجمن ناصری یزد: ۲). علاوه بر این، ماستر خدابخش که طرفدار محدودیت قدرت موبدان بود به صورت گسترده‌ای به پرسش‌های دینی بهدینان پاسخ می‌داد (ماستر خدابخش (۱۳۲۱ یزدگردی).

یکی دیگر از اصلاحاتی که در جامعه زرتشتی کشور انجام شد استقلال معاملات و برخی احوالات شخصی از محاکم شرعی مسلمانان است. رسم بر این بود که زرتشتیان برای خرید، فروش یا مسائل مربوط به ارث می‌بایست به محاکم شرعی مسلمانان مراجعه می‌کردند. در اینگونه محاکم اسلامی پس از توصیفی از معبود که همه مخلوقات اعم از مسلمان، ترسا، یهود و نصاری روی نیاز به او دارند با ذکر صلوات و نعت حضرت رسول و امامان شیعه پس از شرحی درباره موضوع سند با عبارت «حاضر شد بدار الشرع مقدس مطیع الاسلام» فلان زرتشتی سند بنام او تنظیم می‌شد. اما پس از تلاش این نخبگان مقرر گردید این امور به انجمن واگذار گردد. از این پس یکی از وظایف انجمن انجام امور حقوقی چون ارث، ثبت معاملات، تنظیم وقف نامه ها و غیره بود. این اقدام انجمن، گذشته از آنکه منجر به استقلال جامعه زرتشتیان یزد در امور معاملات و سایر احوالات شخصی گردید آنها را از مشکلات فراوانی که با رجوع به محاکم شرعی اسلامی پیش می‌آمد، رهایی بخشید.

پ- رفع پاره‌ای از محدودیت‌های اجتماعی و شخصی

سوار شدن بر حیوانات

زرتشتیان ایران در عصر مورد نظر با پاره‌ای از محدودیت‌های شخصی نیز برخوردار بودند که به کوشش نخبگان مورد نظر گشایش‌های قابل توجهی برای آنها حاصل شد و زیست جمعی

آنان را دگرگون ساخت. از جمله محدودیت‌های زرتشتیان یزد در دوره مورد بحث، نحوه تردد آنها در شوارع و محافل عمومی بود. طبق قوانین فقهی اهل ذمه، حق سوار شدن بر اسب که باعث برتری آنان بر مسلمانان می‌شد را نداشتند، اما ظاهراً فراتر از قوانین فقهی بهدینان یزد حق سوار شدن بر الاغ و قاطر را نیز در راه‌های عمومی نداشتند.

در سال ۱۳۰۰ ه.ق (چند کلمه حذف شد) دستور شهريار از دستوران بزرگ طی نامه‌ای از صدرالعلما روحانی ذی‌نفوذ یزد درخواست کرد که به دلیل بیماری بتواند در شهر سواره حرکت کند. صدرالعلما با بیان آنکه شما همیشه «مطیع‌الاسلام بوده‌اید و عمل بر شرایط ذمه نموده‌اید و می‌نمایید. در باب ناخوشی درد پا هم چندین سال است که شما گرفتار می‌باشید و نمی‌توانید پیاده جایی بروید و حاضر شوید. البته سوار شوید، کسی را با شما کاری نخواهد بود» (نامه دستور شهريار به صدرالعلما فی شهر رمضان ۱۳۰۰).

با این همه، وضعیت برای عموم زرتشتیان چندان آسان هم نبود برای مثال، جوانی زرتشتی اهل مریاباد (مریم آباد) که یکی از محلات پرجمعیت زرتشتی‌نشین یزد بود سوار بر الاغ به سوی محله آب شور در حرکت بود. از بخت بدش با چند تن از بزرگان «واجب‌الاحترام» که سواره بودند برخورد کرد. به‌رغم آنکه عذرخواهی او که «قاصر از راه رفتن» بود، پذیرفته شد هنوز چند قدمی دور نشده بود که پسر یکی از افراد مذکور برگشت و از او بازخواست کرد که چرا از الاغ پیاده نشد و او را مورد ضرب و شتم قرار داد. انجمن طی نامه‌ای به شیخ محمدتقی مجتهد بزرگ شهر نوشت: «از قراریکه مردمان آنجا گفته‌اند گویا فرزند ارجمند کامکار بندگان سر کار شریعتمدار عالی بوده در اینصورت لازم دانسته از راه خلوص نیت عرض مطلب را به محکمه جناب مستطاب شریعتمدار عالی معروض داشتیم امید است تا تجدید مرحمتی در حق این طایفه امیدوار بفرمایید زیاده جسارت است» (عریضه انجمن ناصری به شیخ محمدتقی، ۱۸ شهر شعبان المعظم، ۱۳۰۹ هجری قمری).

مطابق با گزارش‌های تاریخی در اثر پیگیری‌های انجمن در زمینه سواره حرکت کردن زرتشتیان نسبت به سال ۱۳۰۰ ه.ق، پیشرفت‌های عمده‌ای حاصل شد. زرتشتیان می‌توانستند سوار الاغ شوند ولی به هنگام برخورد با بزرگان مسلمان باید پیاده شوند و چند قدمی که دور می‌شدند دوباره سواره به راه خود ادامه دهند.

پوشش زرتشتیان

از نظر فقهی یکی دیگر از وجوه متمایز کننده زرتشتیان از مسلمانان، تفاوت در نحوه لباس پوشیدن بود. برای اولین بار، کیخسرو شاهرخ نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی، در کرمان اقدام به همسان سازی لباس دانش آموزان زرتشتی نمود. اعضای انجمن یزد به محض دریافت این خبر، مضطرب شده و جامعه زرتشتی را در معرض خطر دیدند و با نامه نگاری های تند به انجمن کرمان، آنها را از این اقدام منع نمودند. انجمن کرمان با دبیری کیخسرو شاهرخ در جواب، پیشرفت جامعه زرتشتی را بدون ترس و دلهره خواهان گردیدند (کیخسرو شاهرخ، ۱۳۸۲: ۵۵-۵۴). دنبال طرح چنین پیشنهادی و نیز حمایتی که کیخسرو شاهرخ در مجلس از این اقدام بروز داد، رستم شاه جهان در یزد دست به اقدام زده و به این ترتیب در طول تاریخ پس از اسلام برای اولین بار زرتشتیان یزد البته کودکانشان لباس همرنگ با سایر آحاد جامعه پوشیدند. به هر روی، متعاقب این اقدام به یکباره فضای اجتماعی یزد به تشنج گرایید و طی آن «مسلمانان دکاکین بستند و به علمای تهران و اصفهان و هر جا تلگراف کردند» (کیخسرو شاهرخ، ۱۳۸۲: ۷۴). به رغم مخالفت های گسترده، زرتشتیان یزد توانستند در پرتوی لباس مدارس چون سایر مردم ایران لباس بپوشند.

در تداوم سیاست مانکجی، انجمن ناصری به آرامی امتیازاتی از شاهان قاجار گرفت که نه فقط شامل سوار شدن بر الاغ و شیوه پوشش آنها می شد بلکه حوزه های بسیار وسیعی را در بر می گرفت که در طول تاریخ زرتشتیان یزد بی سابقه می نمود. به رسمیت شناختن انجام امور عرفی و مذهبی جامعه زرتشتیان توسط انجمن، مساوی بودن آنها با مسلمانان در حقوق دیوانی، برداشتن ممنوعیت های سنتی در مواردی چون پوشیدن لباس نو، سواری اسب و اشتر و الاغ، بنای عمارات عالیه، منع اسلام اجباری؛ بر این اساس که «مذهب از امور قلبیه» است، منع ارث گرفتن مسلمانان از زرتشتی ها، منع ربودن و ازدواج با دختران زرتشتی به بهانه اسلام آوردن از اهم این موارد بود (ریپورت انجمن ناصری، سال چهارم، سواد فرامین مظفرالدین شاه، ۴۴-۴۵).

احیای دستورات و مناسک دینی

الف- ارث

بر اساس فقه شیعه، مسلمان در اثر رابطه نسبی و سببی از خویشان غیرمسلمان و مسلمان خود

ارث می‌برد، ولی غیر مسلمان هیچ بهره‌ای از ارث مسلمان نمی‌برد. بر این اساس اگر یهودی، نصرانی، مجوسی، یک پسر مسلمان و یک پسر غیرمسلمان داشته باشد، کل میراث او به پسر مسلمان می‌رسد و نیز اگر برادری مسلمان و پسری کافر داشته باشد، ارث به برادرش می‌رسد. در چشم‌اندازی کلی تر اگر به ترتیب در هر یک از طبقه اول، دوم و سوم وراثت؛ فرد مسلمانی یافت شود ارث به دیگران تعلق نمی‌گیرد. قوانین فقهی که با هدف تشویق گرایش به اسلام ایجاد شده بود سوای اینکه زمینه اسلام آوردن برخی زرتشتیان را با انگیزه دستیابی به ارث بیشتر فراهم می‌آورد، دست کم در یزد منشا ادعاهای درست یا نادرست مبنی بر خویشاوندی با خانواده‌های زرتشتی و درخواست ارث از آنان گردید. از جمله هنگامی که سیدی از موبدی زرتشتی ادعای ارث نمود پس از تفحص مشخص شد جد سید نود سال قبل از آن تاریخ یعنی دوره آقا محمدخان با دختری زرتشتی ازدواج کرده بود و با این ادعا وارث کل آن خانواده زرتشتی گردید (عریضه وکلای انجمن پارسیان به ناصرالدین شاه، ایران نامه ۱۳۸۰: ۲۱۵ و ۲۱۶).

متعاقب تشکیل انجمن ناصری به سال ۱۳۰۹ ه.ق، نخستین اختلافات بر سر مسئله ارث بردن مسلمان از زرتشتی پدید آمد. هنگامی که پس از تشکیل انجمن ناصری، مسلمانی در محکمه یکی از متولیان دینی یزد ادعای ارث از فردی زرتشتی نمود، انجمن طی نامه‌ای مخالفت قاطعانه خود را با طرح مسائل زرتشتیان در محکمه مسلمانان و نیز ادعای ارث گرفتن از زرتشتیان را بدین گونه مطرح ساخت: «حسب الحکم محکم بندگان حضرت اشرف ارفع امجدالدوله شاهزاده والانهاد جلال الدوله ارواحنا الفداه اداره موسوم به انجمن ناصری زرتشتیان یزد بتوسط جناب جلالت مآب مجدت نجدت همراه مقرب الخاقان میستر کیخسرو صاحب» تشکیل شده است. این انجمن متشکل از ۲۸ زرتشتی کامل و خردمند است که در آن «امورات دینی و دنیوی آحاد افراد وضع و شریف زرتشتیان بشرايط چند که شاید وقتی بسمع مبارک برسد رسیدگی و فیصله داده می‌شود. حتی اگر از اهل اسلام هم بر زرتشتیان ادعا و گفتگویی داشته باشد رجوع بدین انجمن است» (نامه انجمن به جناب مستطاب مجدالعلماء، ۲۳ رجب ۱۳۰۹). در ادامه با طرح قضیه ارث گرفتن مسلمان از زرتشتی خاطرنشان می‌سازد که: «یقین بر جنابعالی واضح است بمراتب عدیده این ادعا باطل است استدعا آنکه، جنابعالی مشارالیه را بدین ادعای بیجا ممانعت فرموده ساکت فرمایید» و سرانجام سلطان العلماء را تهدید می‌کند که چنانکه در این زمینه

خسارت و اذیتی به زرتشتیان وارد آید «لازمه این انجمن است که بعرض حضور مبارک بندگان اشرف ارفع امجد {کلمه ناخوانا} ارواحنا فداه رسانیده دادخواهی نماییم»، در نهایت به شکلی زیرکانه و احتیاط آمیز می نویسد: «البته یقین است خود سرکار شریعتمدار عالی اینگونه اشخاص را از خیالات واهی پیشینه منع و ساکت خواهند نمود که باعث گفتگو و دشمنی نشود زیاده عرضی نیست امر کم مطاع» (نامه انجمن به جناب مستطاب مجدالعلماء، ۲۳ رجب ۱۳۰۹).

ناگفته نماند که اجرای خواسته‌های انجمن ناصری تا حدودی تحت تأثیر ثبات سیاسی در کل کشور نیز بود به میزانی که ثبات سیاسی بالاتر و پایاتر می بود انجمن زودتر و بهتر می توانست اهداف خود را عملی سازد. چنانچه در عهد حکومت عمادالدوله بر یزد نه فقط از زرتشتیان در مقابل خواسته‌های ناروای برخی از مسلمانان در خصوص ارث‌بری حمایت می شد (رضوی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۷۹) بلکه با لوطیان نیز که گاهی اسباب ناامنی زرتشتیان را فراهم می کردند مقابله می شد (براون، ۱۳۸۸: ۳۹۱). از این رو در دوران‌های بی ثباتی و هرج و مرج، لازم بود انجمن برای رسیدن به اهدافش تلاش بیشتری کند و نتیجه کمتری بگیرد مثلاً در دوران حاکمیت مدبرالدوله بر یزد که مصادف با برکناری محمدعلی شاه توسط مجاهدین بود بدلیل عدم ثبات سیاسی در مرکز، یزد نیز دچار آشفتگی شد (رضوی، ۱۳۸۸: ۴۸۷). در چنین شرایطی باز ادعای میراث از زرتشتیان مطرح گردید؛ از جمله در عریضه انجمن به حاکم مذکور آمده است: «احتراما عرض می شود اسفندیار قاسم آبادی متظلم است که حسین قناد مکرر متعرض او شده با ادعای ارث اسباب زحمت فراهم می کند به کرات جواب مکفی به وی داده شده باز در ایام معدلت مهد تجدید ادعا نموده مزاحم اوست استدعا داریم مشارالیه را ساکت فرمایید دیگر اسباب زحمت و خسارت او نباشد منتظر ومستدعی بذل مساعدت و مرحمت. انجمن ناصری زرتشتیان یزد» (نامه انجمن ناصری به مدبرالدوله، محرم الحرام ۱۳۳۲).

یکی دیگر از اختلافات شایع که با مقوله ارث هم ارتباط داشت مسلمان شدن زنان و دختران زرتشتی بود. بر اساس فقه اسلام، وقتی زنی غیرمسلمان اسلام می آورد نمی توانست با مرد غیر مسلمان ازدواج کند یا به زندگی مشترک خود ادامه دهد. با مطالعه اسناد و منابع این دوره، گاه دختران و زنان زرتشتی در خانه متولیان دینی و حتی سایر مسلمانان به اسلام در آورده می شدند و سپس به همسری مسلمانی در می آمدند. از دید زرتشتیان، قضیه متفاوت بود و معتقد بودند که

اسلام آنها به زور و اکراه انجام می‌پذیرد.

در یک مورد، زنی زرتشتی در خانه یکی از متولیان دینی مسلمان اسلام آورد که این امر مورد اعتراض زرتشتیان واقع شد و موضوع توسط انجمن ناصری به ضیغم الدوله حاکم یزد گزارش شد. در پی اعتراض زرتشتیان، متولی مسلمان از آنها خواست که چند تن از دستوران را بخانه او بفرستند تا از صحت و سقم اسلام آوردن آن زن اطلاع حاصل نمایند. پاسخ زرتشتیان معترض آنکه او می‌بایست «قبل از آنکه وی را لباس اسلام بپوشاند مرحمت نمایند به اقارب دختره اجازت داده شود که با وی مراوده و مصاحبه داشته باشد بدون مانع و کدورت خاطر جهات میل او را به قبول اسلام بفهمند اگر از روی صداقت خواست قبول اسلام بنماید بسیار خوب» در ادامه پیشنهاد می‌کنند آن دختر را در جای بیطرفی چون ارگ حکومتی یا نظمی یا مرکز عدلیه در اتاقی مستقر کنند چند زن مسلمان و نزدیکان او بدون کار اضافی و تطمیع تحقیق کنند که آیا به رضا و رغبت اسلام آورده یا نه؟ اگر هم اسلام آورده مقرر شود «آنچه از خانه شوهرش و پدرش برده مسترد نماید و برود دنبال بختش گمان نداریم که چون دختره قبول اسلام می‌نماید حکم این باشد که در حیات شوهر و پدرش مبالغی مال ایشان را بدون رضایت آنها ببرد و بخورد» (عریضه به ضیغم الدوله حکمران یزد و مضافات، ۲۱ شهر ربیع الثانی، ۱۳۲۹ هجری).

این درخواست زرتشتیان مطابق با استفتایی بود که یکی از بهدینان از مانکجی کرده بود مبنی بر اینکه او می‌تواند مهر و کابین خود از شوهر بگیرد یا نه «حقیقت این را بقاعده و قانون مزدیسنی بیان فرمایید که عند الی بحث حجت بوده باشد...» مانکجی قاطعانه پاسخ داد زنی که بی اذن شوهر از خانه شوهر بیرون رود «بهیچ وجه من الوجود از مهریه، اسباب، رخوت و لباس خود حقی و بهره ندارد» (نامه بهدین به مانوکجی ۱۲۸۲ هجری، ۱۲۳۰ یزدگردی).

با تلاش نخبگان پارسیان هند در ایران و با تکیه بر ابزارهایی چون استمداد از انگلیسی‌ها، نزدیک شدن به رأس حکومت، ابتکارات شخصی و به خصوص تغییر در نوع ساماندهی امور عمومی زرتشتیان از طریق ایجاد پنجایت‌ها و سپس انجمن ناصری در این رسوم، تغییرات عمده‌ای به نفع زرتشتیان کل کشور و بویژه در یزد رخ داد.

ب- بناهای زرتشتیان

در عصر قاجار محلاتی چون محله دستوران، اهرستان، مریم‌آباد، کوچه بیوک از کانون‌های اصلی سکونت زرتشتیان شهر یزد محسوب می‌شد. از نظر قوانین فقهی، اهل ذمه مکلف بودند ارتفاع ساختمان‌هایشان از ابنیه مسلمانان بیشتر نباشد به همین دلیل زرتشتیان و یهودیان ساکن یزد باید دیوارهای خانه‌های خود را تا حدی کوتاه می‌ساختند که دست مسلمان به آن برسد.

همچنین استفاده از درهای دولنگه، ساخت اتاق‌هایی با سه پنجره و بیشتر و بالاخانه قدغن بود (مالکوم، ۱۳۹۴: ۷). چنانچه پیش از این اشاره شد یکی از علت‌های بلوای مردم یزد در سال ۱۳۰۰ه.ق این بود که متعاقب دستور ناصرالدین شاه مبنی بر لغو جزیه، فردی بنام اردشیر دینیار، بالا خانه‌ای ساخت که بلندتر از حد مجاز بود (مالکوم، ۱۳۹۴: ۷۲). با این همه پیگیری‌های انجمن و حمایت حکام و صرف مبالغی، زرتشتیان توانستند نه تنها بتدریج خانه‌های مرتفع‌تری بسازند حتی مجوز ساخت بادگیر هم بدست آوردند و اینها حاصل نشد مگر از طریق وارد شدن ارزش‌های جدید از بیرون (هند) و با توسل به ابزارها و روش‌هایی که ذکرش رفت.

پ- دخمه (برج خاموشان)

نخستین نمود فعالیت انجمن اکابر پارسیان در یزد، ارسال مبلغ هنگفت برای تعمیر دخمه یزد بود (امینی، ۱۳۸۰: ۳). با توجه به گزارش مانکجی به انجمن اکابر پارسیان در خصوص دخمه‌های رو به ویران یزد، وی موفق به اخذ مبالغی برای احداث دو دخمه در یزد می‌گردد (اسناد و گزارشات مانکجی هاتریا، ۱۴۸).

مانکجی که تداوم جامعه زرتشتی را در احیای اماکن دینی می‌دانست در آبان ۱۲۲۵ی/۶ رمضان ۱۲۷۲ق کار ساخت دخمه جدید یزد را آغاز و ۹ ماه به طول انجامید (اشیدری، ۲۵۳۵: ۲۷۲) و دخمه شریف‌آباد طبق لوح آن روز فروردین از ماه سپند ۱۲۲۵ی/ ۱۲۷۲هجری/ ۱۸۵۶م به انجام رسید (اشیدری، ۱۳۸۳: ۹۱).

نتیجه‌گیری

هسته مرکزی این پژوهش را این ایده تشکیل می‌دهد که تغییرات و اصلاحات در شیوه زیست جمعی جامعه زرتشتی کشور و بویژه زرتشتیان شهر یزد در عصر ناصری آنچنان گسترده، عمیق و پایدار بوده است که به راستی می‌توان آن را کانون تغییرات معطوف به نوگرایی در آن عصر دانست.

مقاله نه فقط عهده‌دار توصیف و ترسیم تغییرات و اصلاحات انجام شده در جامعه زرتشتی کشور به خوانندگان است بلکه با بهره‌گیری از چهارچوب نظری کارکردگرایی و نخبه‌گرایی به توضیح و تبیین یا همان چرایی وقوع این تغییرات نیز پرداخته است. گفته شد که پارسیان هند چون در محیطی دیگر زندگی می‌کردند و از جمله در معرض مدرنیسم بودند دچار دگرگونی‌های مهمی از جنبه‌های گوناگون شده بودند. از جمله اینکه بر اثر آموزش‌های جدید، نخبگانی در بین آنها پیدا شد که بر آن بودند؛ می‌توان بین سنت و مدرنیته پیوند برقرار نمود. بویژه آنکه می‌توان هم دیندار بود و هم از دستاوردهای دنیای جدید استفاده نمود. این نخبگان به مثابه کارگزاران تغییر به ایران و یزد آمدند و کوشیدند تا از فرصت‌های داخلی و بین‌المللی برای تأثیرگذاری بر زرتشتیان یزد بهره ببرند. از این قرار، آنها به عنوان منشأ تغییر از بیرون توانستند تأثیرات و تغییرات پایداری را بر زرتشتیان کشور داشته و ایجاد نمایند. این تغییرات و تأثیرات بیشتر خود را در چهار حوزه ساختار اجتماعی زرتشتیان، وضعیت اجتماعی و فرهنگی زندگی آنها، احیای دستورات و مناسک دینی و بالاخره رفع بسیاری از محدودیت‌های موجود در میان زرتشتیان نشان داد. در این میان اصلاح ساختار داخلی زرتشتیان یا همان شیوه ساماندهی زیست جمعی آنان از طریق تشکیل پنجایت‌ها که مستقیماً از هند وارد ایران شده بود و سپس جایگزین شدن انجمن ناصری به جای آن بیشتر در خور توجه است زیرا این اصلاح دگرگونی ساختار خود پایه و سبب دگرگونی‌های دیگر هم شد.

پنجایت‌ها، مجمعی متشکل از ریش‌سفیدان و افراد متنفذ در جوامع هندو بود که با تغییراتی بوسیله پارسیان هند پذیرفته شد و توسط نماینده آنها یعنی مانکجی در جوامع زرتشتی‌نشین ایران، از جمله یزد به کار گرفته شد. بر اساس اسناد بجای مانده گذشته از تأکید بر مشورت اعضا در امور مختلف و تصویب موضوعات بر اساس رأی اکثریت، حل اختلافات به‌دینان هر منطقه، نظارت بر

معابد و زیارتگاه‌ها مکتبخانه‌ها، امور خیریه و اجتماعی از اهم وظایف پنچایت‌ها بود. هرچند نظام پنچایت‌ها بر نوعی شیخوخیت و ریش سفیدی استوار بود و ضمانت اجرایی چندانی نداشت اما زمینه را برای شکل‌گیری انجمن‌های ناصری از جمله در یزد مهیا ساختند. انجمن ناصری با کنار گذاشتن ساختار حاکم سنتی، زمینه شورایی کردن امور را فراهم ساخت و با تداوم روند امتیازگیری از شاهان قاجار برای بهبود شرایط بهدینان کوشید. کار به جایی رسید که انجمن ناصری یزد با ارائه گزارش‌هایی از عملکرد حکام محلی یزد به پاریس، هند، نمایندگان آنها در ایران و حکومت مرکزی عرصه را بر حکام یزد تنگ ساخت و آنها را وادار به رسیدگی به مشکلات بهدینان کرد. از نظر حقوقی و قضایی نه فقط زرتشتیان را از مراجع به محاکم شرعی مسلمانان بی‌نیاز ساخت، بلکه این امورات را از دست موبدان و دستوران زرتشتی نیز گرفت، امری که سبب کاهش سلطه فسادآمیز آنان بر جامعه زرتشتی کشور شد و تحرکی را در بین زرتشتیان ایجاد کرد و در نهایت با بدست گرفتن امور دینی توسط قشر تحصیلکرده، زمینه اصلاحات دینی را نیز بوجود آورد.

منابع

- آبراهامیان، یراوند، (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آبراهامیان، یراوند، (۱۳۸۹)، *تاریخ ایران مدرن*، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- اردشیر زارع، (بی‌تا)، *کتاب خاطرات*، دستنویس، نگهداری در کتابخانه یگانگی تهران.
- آدمیت، فریدون، (۱۳۶۱)، *امیرکبیر و ایران*، تهران: انتشارات خوارزمی.
- اشیدری، جهانگیر، (۲۵۳۵)، *تاریخ پهلوی و زرتشتیان*، تهران: انتشارات ماهنامه هوخ.
- امینی، تورج، (۱۳۸۰)، *اسنادی از زرتشتیان معاصر (۱۲۵۸-۱۳۳۸)*، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
- بای، کار، (۱۳۴۸)، *دیانت زرتشتی؛ مجموعه سه مقاله از کای با، آسموسن، مری بویس*، ترجمه فریدون وهمن، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- براون، ادوارد، (۱۳۸۱)، *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: انتشارات ماه ریز.
- بشیریه، حسین، (۱۳۷۲)، *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۰)، *دییچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی*، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- بنجامین، س.ج.و، (۱۳۶۳)، *ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین‌شاه*، ترجمه محمد حسین کردبچه، تهران: انتشارات جاویدان.
- بویس، مری، (۱۳۶۴)، «مانکجی هاترایا در ایران»، ترجمه هاشم رضی، *چیستا*، اسفند ۶۴، شماره ۲۶.
- شهریاری، پرویز، (۱۳۶۰)، «پارسی‌نامه (پارسیان نام‌آور و بلندآوازه هند)»، بی‌نا، *قروهر* دوره ۱۰، شماره ۵.
- ریشه، گئی، (۱۳۹۴)، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، چاپ بیست و پنجم، تهران: نشر نی.

- رضوی، میرزا محمد، (۱۳۸۸)، *خاطرات و کیل التولیه (میرزا محمد نواب رضوی)*، ج ۱، به کوشش علی اکبر تشکری بافقی، تهران: انتشارات سخن.
- شهرمدان، رشید، (۱۳۳۱)، «موفقیت دختر خردسال زرتشتی ایران در دیار بیگانه»، هونخت، دوره سوم، شماره ۱.
- شهرمدان، رشید، (۱۳۶۰)، *تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان*، تهران: انتشارات راستی.
- شهرمدان، رشید، (۱۳۶۳)، *تاریخ زرتشتیان و فرزندانگن*، تهران: سازمان انتشارات فروهر.
- شیروانی، زین العابدین بن اسکندر، (۱۳۴۸)، *حلائق السیاح*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کیخسرو، شاهرخ، (۱۳۸۲)، *خاطرات ارباب کیخسرو شاهرخ*، به اهتمام شاهرخ دانشا ایترا، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران: نشر مازیار.
- بی نا، بی تا، *لب و خلاصه ریپورت انجمن ناصری زرتشتیان یزد*، چاپ سنگی، نگهداری در مخزن کتابخانه آستان قدس رضوی.
- ماستر خدابخش، (۱۳۲۱ یزد گردی)، *دین نامه*، بمبئی: نشر سازمان جوانان زرتشتی.
- مانکجی لیمجی، هاترایا، (۱۲۸۰ ق)، *اظهار سیاحت در ایران*، بمبئی: بی نا.
- موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، (۱۳۷۸)، *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی ج ۱ و ۲*، تهران: انتشارات اطلاعات.

اسناد و نامه‌ها

- ریپورت انجمن، ۱۳۰۹-۱۳۱۱، *سواد عریضه کیخسرو جی خانصاحب به مقرب الخاقان*.
- ریپورت انجمن، ۱۳۰۹-۱۳۲۲، *عریضه به انجمن بمبئی*.
- سواد تلگرام ظل السلطان به خلق یزد، ۱۳۰۱ ه ق.
- عریضه انجمن ناصری به شیخ محمد تقی، ۱۸ شهر شعبان المعظم، ۱۳۰۹ هجری قمری.
- عریضه به ضیغم الدوله حکمران یزد و مضافات، ۲۱ شهر ربیع الثانی، ۱۳۲۹ هجری.
- عریضه و کلای انجمن پارسیان به ناصرالدین شاه، ایران نامه، سال دوازدهم شماره ۱ و ۲ زمستان ۱۳۷۹ بهار ۱۳۸۰.

- عریضه مانکجی به ناصرالدین شاه، بی تا.
- فرمان همایون حضرت شهنشاه گیتی پناه محمد شاه غازی درباره مستمری دستور بهمن دستور کیخسرو، حرر فی ۲۴ شهر صفرالمظفر ۱۲۵۷ ه.ق.
- گزارش اجلاس فرخ دی به آذر ایزد از خورداد ماه قدیم ۱۲۳۵ شاهنشاهی یزدگردی.
- گزارش انجمن ناصری، تلگراف یوسف بختیاری از طهران به یزد، نمره تلگراف ۳۳۲.
- نامه انجمن ناصری به مدبرالدوله، محرم الحرام ۱۳۳۲.
- نامه انجمن به جناب مستطاب مجدالعلماء، ۲۳ رجب ۱۳۰۹.
- نامه انجمن به ریاست جلیله نظمی یزد، ۲۴ شهر رجب ۱۳۲۹.
- نامه انجمن ناصری به اردشیر ریپورتر، ۶ مارچ ۱۹۱۴.
- نامه انجمن ناصری به معاضدالسلطنه حکمران یزد ومضافات، ۱۱ شهر ربیع الثانی ۱۳۳۲ ه.ق.
- نامه بهدین به مانوکچی ۱۲۸۲ هجری ۱۲۳۰ یزد گردی.
- نامه جماعت مجوس دارالعباد یزد به صدر اعظم، ذی حجه ۱۲۶۸ ه.ق.
- نامه دستور شهریار به صدرالعلماء، فی شهر رمضان ۱۳۰۰.
- نامه زرتشتیان یزد به مانوکچی، ۲۹ شوال ۱۳۰۰ هجری قمری.
- نامه میرزا تقی خان وزیر خطاب به شیخعلی خان نایب الحکومه یزد در باب مستمری دستور نامدار و ملا بهرام حرر فی شهر جمادی الثانی ۱۲۶۶.